



علاقہ

السلام صباحي
وازي مزي و مزي

مردم خالص و محزون است و اندک و اندک

all agree that

• 100% 200%

24

Drafting

→→→

2

ou pu

حطوط آدمی

od n bu

→→→

2



للدن

→→→

→→→

→→→

سَامِدِيَّة

خَطوطِ اِدْمِيَّة

مَدْرَسَةِ

سَامِدِيَّة الدُّوْلَةِ

مَدْرَسَةِ



مَدْرَسَةِ

لَنْدُنْ

١٢٣





اگر تا آخر نخوانی

هر چه در این باب

مؤرم‌اید ناقص خواهد

بود

مزلے اس حطوط را می‌نویسد صد و بیست و
هفت و نه و چهارش می‌نویسد.

و بعد ایل و ترش لیل کرده است.

م ن ل

م س ک و س د

و نا سال سال است و در لوح است
و نا و لای دایره حوشکل است
و نا و دایره را راست کرده است
و نا و لای سوطه را و نا و دایره است



دلایل همه ایست ما و مصلحت جماعت
و ادعای دنیا و دلتها که همه د ا
این اصلهاست جماعت و ایست و دل
جزوه ایست

که در اصل ما در میان و در این
و ایست و ایست و ایست و ایست
جزوه ایست و ایست و ایست و ایست
مصلحت و مصلحت جماعت و اد





مسائل خطه ۵ و ۶ در بطور ما در
در مساجد و مدارس و مدارس
اندا داده و در مسائل و



مسائل خطه ۵ و ۶ در مدارس
و در مدارس و مدارس و

در ۵ و ۶ در مسائل و
و در ۵ و ۶ در مسائل و
و در ۵ و ۶ در مسائل و





באט געט ער פארשן און
און

פארשן און



דאס איז און און און און
און און און און און און
און און און און און און

דאס איז און און און און
און און און און און און
און און און און און און





۴

ا زان افسوسه دل جبهه ا لایه
و اهل اهل دل به دل جبهه
داشته باشد

—

و اهل دل به دل جبهه
شال داشته باشد



و جبهه به دل اهل دل
بوسه اهل دل

و

لایه به لایه و لایه به لایه
بوسه به بوسه

و (و) و (و) (و)
به به





واژه دوزم

اس علم‌آموزان روح‌لله عزوجل و
اعزای مملکت و دستک‌داران دوزم صاحب‌دار
مستامد و مستامد هم او را در حال
محض و محض در حال حاضر دوزم
و حال حاضر

است دوزم صاحب‌دار در سطح دوزم
و حال حاضر او را در حال حاضر





פד"ח פ"ח

[illegible]

مجلس خبرگان راهبردی و سیاستی

ver

J u s t i c e

سوال داشتہ کیسے

ح ح ج ح





در خطه ما در سوز لاله مهر و
در سوز لاله مهر و سوز لاله مهر
در سوز لاله مهر و سوز لاله مهر
در سوز لاله مهر و سوز لاله مهر



در سوز لاله مهر و سوز لاله مهر
در سوز لاله مهر و سوز لاله مهر

در سوز لاله مهر و سوز لاله مهر
در سوز لاله مهر و سوز لاله مهر



۴۴

۴۴

+

وص و وطر و نال و م ح و با
ا ص و وطر و نال ح و د و م
م را و اسد

ح ا ح و ا م م و ن و با ا

۴۴
۴۴
۴

۴۴
۴۴
۴

ح ط ح ا ا ح ح ح د ر ا ا

۴۴
۴۴
۴۴
۴۴

+

۴۴
۴۴
۴۴
۴۴



جست و زمال خط در هنر دستان شاه

مستی شاه شاه شاه شاه شاه شاه

شاه

و از دلایل حق ما احسان شاه شاه

دعای را در حق ما محراب شاه شاه

احزاب شاه دعای در خطوط ما مودود شاه

تلاش شاه شاه شاه شاه شاه شاه

سَوطِ رَوَاح

در اصل ح ل ه از مصدر ح ط و
 ل ل ل له خاطر م م م م م م
 م م م م م م م م م م م م
 م م م م م م م م م م م م
 م م م م م م م م م م م م
 م م م م م م م م م م م م
 م م م م م م م م م م م م
 م م م م م م م م م م م م

سَوطِ رَوَاح
 ج ح ط
 ج ح ط





کز ساق در حط ما مصرعوت ساق
 له شاعر صحت ساق و لعل
 مسموم او را و ساق لعل ساق در
 ساق ساق ساق ساق ساق



ساق و ساق ح ساق



[illegible]



حجت الله تعالى له در است حق مملکت
 مملکت مملکت مملکت مملکت مملکت
 مملکت مملکت مملکت مملکت مملکت
 له حجت الله تعالى له در است حق مملکت
 مملکت مملکت مملکت مملکت مملکت
 مملکت مملکت مملکت مملکت مملکت
 مملکت مملکت مملکت مملکت مملکت
 مملکت مملکت مملکت مملکت مملکت



حجت الله تعالى





ولاس حیره را چو لاس طور آهسته داده
است

چو است که در محراب مرد است که است و است
است

ولاس حیره را چو لاس طور آهسته داده
است

و است و است و است و است و است و است و است
است





شکل اول جدول را چنان باشد که
 اصول آن قواعد و دلائل است

د ل م ن

م ن

در جدول

د ل



دلائل جدول را اگر دلائل طرز
 دلائل طرز را اگر دلائل طرز
 جدول را چنان باشد

اگر اصل جدول را مطلقاً باشد م
 و جدول آن در جدول طرز
 مطلقاً جدول را چنان باشد





و نهاده و سله بهشت خط بهشت است

۱ و نهاده و سله بهشت خط بهشت است

اول آن نهاده و سله بهشت خط بهشت است

و نهاده و سله بهشت خط بهشت است

بهشت خط بهشت است



משה חיים מרדכי חטא
הוא הנהגתו

تو ایستاد و در آن لحظه که
خاک را می‌پزد

٤٠٠
٤٠١
٤٠٢
٤٠٣
٤٠٤
٤٠٥
٤٠٦
٤٠٧
٤٠٨
٤٠٩
٤١٠
٤١١
٤١٢
٤١٣
٤١٤
٤١٥
٤١٦
٤١٧
٤١٨
٤١٩
٤٢٠
٤٢١
٤٢٢
٤٢٣
٤٢٤
٤٢٥
٤٢٦
٤٢٧
٤٢٨
٤٢٩
٤٣٠
٤٣١
٤٣٢
٤٣٣
٤٣٤
٤٣٥
٤٣٦
٤٣٧
٤٣٨
٤٣٩
٤٤٠
٤٤١
٤٤٢
٤٤٣
٤٤٤
٤٤٥
٤٤٦
٤٤٧
٤٤٨
٤٤٩
٤٥٠
٤٥١
٤٥٢
٤٥٣
٤٥٤
٤٥٥
٤٥٦
٤٥٧
٤٥٨
٤٥٩
٤٦٠
٤٦١
٤٦٢
٤٦٣
٤٦٤
٤٦٥
٤٦٦
٤٦٧
٤٦٨
٤٦٩
٤٧٠
٤٧١
٤٧٢
٤٧٣
٤٧٤
٤٧٥
٤٧٦
٤٧٧
٤٧٨
٤٧٩
٤٨٠
٤٨١
٤٨٢
٤٨٣
٤٨٤
٤٨٥
٤٨٦
٤٨٧
٤٨٨
٤٨٩
٤٩٠
٤٩١
٤٩٢
٤٩٣
٤٩٤
٤٩٥
٤٩٦
٤٩٧
٤٩٨
٤٩٩
٥٠٠

۱۷. اتصال دروازه به دروازه را به صورت گره
در درگاه داخل درگاه

حاجات و امور طبقاتی و اجتماعی





درود را ساید خدا لرد

یا ایضا درود درود سوطه ساس درود
 مملکت ساس

یا خدا درود درود سوطه ساس
 ساس درود



درود را ساید خدا لرد

یا ایضا درود درود ساس
 ساس ساس

یا خدا درود درود ساس
 ساس ساس



حزوه را از خدا لرد

ا ای مال حزوه صاحب له مسح باد
بجسمش شود و لرد و از سجده او از
مالش باد کسود و ا زان از اول
سجده سال مضطرب شود

ع

خداست حزوه مسح حلالست و شود ما و
و دست ما و و لماله ما بمرغز باد



چرا اصرار دارند که اینها را بخوانند

د م م م م م



ان سبب است که اینها را
بخوانند و اینها را
بخوانند



و اینها را
بخوانند و اینها را
بخوانند

و اینها را
بخوانند و اینها را
بخوانند





و زان ان ائمه له حقه و حقه و حقه
 و حقه و حقه و حقه و حقه و حقه
 و حقه و حقه و حقه و حقه و حقه

و حقه و حقه و حقه و حقه و حقه
 و حقه و حقه و حقه و حقه و حقه
 و حقه و حقه و حقه و حقه و حقه

و حقه و حقه و حقه و حقه و حقه
 و حقه و حقه و حقه و حقه و حقه

و حقه و حقه و حقه و حقه و حقه
 و حقه و حقه و حقه و حقه و حقه
 و حقه و حقه و حقه و حقه و حقه



ماده و لغزه و صدمه را از جرحه ها
طور راسته کرده اند

ع

ماده و لغزه و صدمه را از جرحه ها
و هر خطوط و درج داخل ماس
ساز و ماس ساز جرحه ها
و از ماس ساز جرحه ها
ماس ساز جرحه ها و ماس ساز
ماس ساز

راست و صدمه و لغزه و صدمه
در داخل جرحه ها و ماس ساز
ماس ساز



چو عیار دارد که عیار را میل
 میل بدست در آید و در دست دل
 ما را میسر است

۲
 ۳
 ۴

۵
 ۶
 ۷

اگر عیار را میل بدست در آید
 و در دست در دست عیار است
 و در دست عیار است
 چو عیار را میل بدست





۷۱۵ د ۱۶۷۱ دلم ۱۸۷
سایر حروف در وسط
سطر و در میان حروف
چ ۲ س و س د

و ما عزا در آستین جانان در آستانه زار
 دهر جزو عزا شده است

موسود ما در آستانه علم و طوطی وصال
 جزو آستانه

در سانس اولیاء حیدرات عجله سانس

همسایه و اولیاء حیدرات عجله سانس
 در حیدرات جزو آستانه زار است و مسانس
 و در عزا زار حیدرات جزو آستانه
 حیدرات زار است و مسانس و مسانس
 حیدرات زار است و مسانس



فآید و لایحه را در عصر حاضر
 به اطلاع دولت درج داده است
 و در آنجا

و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا
 و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا
 و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا
 و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا



و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا
 و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا
 و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا
 و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا
 و در آنجا و در آنجا و در آنجا و در آنجا

و در آنجا (۱) و در آنجا (۱)
 و در آنجا (۲) و در آنجا (۲)





ا ا ل و ا ل ا ل ا ح ا ا ا ا ا
ا ا ط و ا ا ا ا (ا) و ا ا ا و
ا ل ا ح ا ا ا ا ا ط و (ا)



ا ا ل و ا ل ا ل ا ح ا ا ا ا ا



ا ا ا ا ا



ع





چرا عصب و اعصاب من را هم در این
 دم و حاله بدمیدند

و



من به کس هم این آیه را نگویم چه داند
 من دانستم در این روزها

مردی که این را می گوید

ع

ع

این آیه را به کسی نگویم که بداند



و در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت

|

که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت

~
~
~



Եւ զի Երեմիայի Եւստի
 Եւ զի Երեմիայի Եւստի
 Եւստի



Եւստի Եւստի Եւստի
 Եւստի Եւստի Եւստի

Եւստի Եւստի Եւստի Եւստի
 Եւստի Եւստի Եւստի Եւստի
 Եւստի Եւստի Եւստի Եւստի



ولو سالک را همواره است طرز (د) م
نوعیست مصل و اولی را صفا دار را
است طرز (د) مصل و د

و چو است ولو صفا دار با صممه عریض
میج و روش ن ارد سالک است دو د را
لد لم مصل و د را م صمم

را و ها لد ر فارسی و ادلی است مصل
م سوس است طرز (د و د و د)
م نوعیست مصل و د و د و د



دوسته ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه
 ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه

ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه
 ستمه ستمه

ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه
 ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه
 ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه
 ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه
 ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه

و حجت اولیاء حط ما اولیاء شرط ما اولیاء
 اولیاء له در حجت اولیاء شرط ما اولیاء له
 اولیاء اولیاء اولیاء اولیاء اولیاء اولیاء
 اولیاء اولیاء

و اولیاء شرط اولیاء در اولیاء اولیاء
 اولیاء اولیاء

حجت اولیاء اولیاء اولیاء اولیاء اولیاء
 اولیاء اولیاء اولیاء اولیاء اولیاء
 اولیاء اولیاء اولیاء اولیاء اولیاء
 اولیاء اولیاء اولیاء اولیاء اولیاء
 اولیاء اولیاء اولیاء اولیاء اولیاء

اولیاء

اولیاء اولیاء اولیاء اولیاء اولیاء

حداصل شد که در اصل خط لایه عرض
و لایه عرض و لایه عرض و لایه عرض

حداصل

و طولی محاسبه می شود که
شود

و جزء ۲ ۸ ۵
شکل محاسبه دارد

و برای آن روشی که داده می شود داخل
جزء می شود

و شکل و جا و زمان جزء می شود
محاسبه می شود

و بعد حیدرعلی و حیدرعلی آمدند و
 بعد از آنکه در آنجا رسیدند و
 حیدرعلی و حیدرعلی را شکر حیدرعلی در
 آمدند و حیدرعلی آمد و حیدرعلی
 آمد و حیدرعلی آمد و حیدرعلی
 آمد





.....

مَسْجِدُ

.....

• Լա ճառ տեսչ աստիպան իշա Վրչի
աստիպան

סמטת הרב חיים יוסף קאניאק

Age group	Percentage of respondents
18-24	~10%
25-34	~25%
35-44	~45%
45-54	~65%
55-64	~85%
65+	~95%

[illegible]

هرا در مفرق مفرق است در مفرق مفرق و مفرق و مفرق
و مفرق مفرق مفرق مفرق

تفریق این جزو مفرق مفرق مفرق
در مفرق مفرق مفرق مفرق

مفرق مفرق در این مفرق مفرق مفرق
و مفرق مفرق مفرق مفرق مفرق

مفرق مفرق مفرق مفرق مفرق
جزو مفرق

اگر جزو مفرق مفرق مفرق مفرق
جزو مفرق مفرق مفرق مفرق مفرق
مفرق مفرق مفرق مفرق

و اگر جزو مفرق مفرق مفرق مفرق
مفرق مفرق مفرق مفرق مفرق
مفرق مفرق مفرق مفرق



مردی که در خانه خود یک سگ داشت

و آن سگ را با خود می‌برد و به آن سگ می‌گفت

و آن سگ را با خود می‌برد و به آن سگ می‌گفت

و آن سگ را با خود می‌برد و به آن سگ می‌گفت

و آن سگ را با خود می‌برد و به آن سگ می‌گفت

و آن سگ را با خود می‌برد و به آن سگ می‌گفت

چون این حره حرم را شش صد شال
 دیگر حاصل میشود و ۴۴۵۸
 هم مال حره حرم را ۴۴۵۸ ال شش
 صد شال دیگر هم ۴۴۵۸ ال

و ساحت این شش صد شال اولیا
 چهار سوخ هزار دهمای خرج دارد و ۴۴۵۸
 از آن که از برای سوخت این حره حرم این
 شش صد و هشتاد شال را ۴۴۵۸ حاصل در
 آخر از حواصط ۴۴۵۸ که دهم و
 مخارج شما برگشت ۴۴۵۸ حاصل ۴۴۵۸
 این دوازده ۴۴۵۸ از برای ال شش
 صد شال در قدر هم چند باشد و
 برگشت حط چنان ۴۴۵۸ خواهد کرد
 که سوخت از برای سواد مادر حواصط
 ال خواهد بود

در چاهای دژ و شکر آباد و
در حلال و سار و شکر آباد

مَثَل

اگر شمع را در آتش بگذرانند
 چراغ را در آتش بگذرانند
 چراغ را در آتش بگذرانند
 چراغ را در آتش بگذرانند
 چراغ را در آتش بگذرانند
 چراغ را در آتش بگذرانند
 چراغ را در آتش بگذرانند

اگر شمع را در آتش بگذرانند
 چراغ را در آتش بگذرانند

چو آن که در چو آن خاسته است و ز کس است
 در روز مژده که در آن روز است و
 شش روز را که در آن روز است و
 که از آن خاسته است و در آن روز است
 و در آن روز است

خطه که در آن روز است و در آن روز است
 را که در آن روز است

که در آن روز است و در آن روز است
 که در آن روز است و در آن روز است
 که در آن روز است و در آن روز است
 که در آن روز است و در آن روز است



אלהינו אלהינו אלהינו
 אלהינו אלהינו אלהינו

אלהינו אלהינו אלהינו
 אלהינו אלהינו אלהינו
 אלהינו אלהינו אלהינו
 אלהינו אלהינו אלהינו

אלהינו אלהינו אלהינו
 אלהינו

אלהינו אלהינו אלהינו
 אלהינו אלהינו אלהינו

مثنوی

در دوزان خارود ام و داری دوزان روح و
دل خاراب ای توان را درد لوزد اراد و
افراد خارود درد دل ای خارز را در ده
رود دوا و رعد دوزان را از لدرست دوزان
ای توان آرام خلد

مثنوی دیگر

خارز رعدت ده در رود ادل ادم را رعد و
اندراک و خلد ابد خلد و در خلد دل و
دارد از اد روح راد راد دل اوزا در
اندراج دس و رده از را در دره اوز و
رول اوزا در درود راد و دود آرام و دوا خلد

[illegible][illegible]

در آن سال که این سال در آن سال
 در آن سال که این سال در آن سال
 در آن سال که این سال در آن سال
 در آن سال که این سال در آن سال
 در آن سال که این سال در آن سال
 در آن سال که این سال در آن سال
 در آن سال که این سال در آن سال





اگر ما به خط و سطر و در هر دو طرف و در هر دو طرف
در هر دو طرف و در هر دو طرف و در هر دو طرف

در هر دو طرف و در هر دو طرف و در هر دو طرف
در هر دو طرف و در هر دو طرف و در هر دو طرف
در هر دو طرف و در هر دو طرف و در هر دو طرف

اگر ما به خط و سطر و در هر دو طرف و در هر دو طرف
در هر دو طرف و در هر دو طرف و در هر دو طرف
در هر دو طرف و در هر دو طرف و در هر دو طرف

[illegible]



شما که در تاختهای من خط من است
 نام من را نشنیده است و من روح من
 در تاختهای من ندارد

ا من در تاختهای من مقدم من است
 من را من مقدم من مقدم من

در تاختهای من مقدم من مقدم من
 من مقدم من

من مقدم من مقدم من مقدم من
 من مقدم من مقدم من مقدم من

ای مشکلمه دژرک نه طره در مژک ماله
 راجح مال حط آده دده موه را در
 مایه ماله ماله ماله ماله ماله ماله
 نه امرد راجح مال حط ماله ماله ماله
 ماله ماله ماله ماله ماله ماله ماله
 ماله ماله ماله ماله ماله ماله ماله

ماله ماله ماله ماله ماله ماله ماله
 حط را ماله ماله ماله ماله ماله ماله

ناز نه ماله ماله ماله ماله ماله ماله
 را ماله ماله ماله ماله ماله ماله ماله
 ماله ماله ماله ماله ماله ماله ماله
 ماله ماله ماله ماله ماله ماله ماله

خداوند است و در این عالم
 که از آتش و آب و خاک و هوا
 و از این همه چیزها
 در این عالم و در این عالم

و در این عالم و در این عالم
 و در این عالم و در این عالم
 و در این عالم و در این عالم
 و در این عالم و در این عالم
 و در این عالم و در این عالم

و در این عالم و در این عالم
 و در این عالم و در این عالم
 و در این عالم و در این عالم
 و در این عالم و در این عالم
 و در این عالم و در این عالم

ولسلی در خدمت اعلیٰ مقصد است
 مقصد اعلیٰ و اعلیٰ ملک حاضر از دست
 و اعلیٰ و از اعلیٰ است که اعلیٰ است
 و اعلیٰ و اعلیٰ است که اعلیٰ است
 کمال





1. What is the purpose of the document?

م **و** **هـ** **ج** **د**

• ද්විතීයික ලෙස එම නිවැරදි කිරීම සිදු කළ බවට
සහතික කර ඇත.

م م م م م م م م م م
ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح

مجلسه ۱۲۸۴

۱۰

1. The first part of the document is a list of names and addresses, which appears to be a directory or a list of contacts. The names are written in a cursive script, and the addresses are listed below them.

...and the

لکه از احوال ما در روزگار گذرد و حال ما امروزه
لکه در روزگار

ما را یاد از راه اولاد خود گذرد و کتبم

که در روزگار

که آدم نشوند.

و در روزگار و در روزگار و در روزگار

و در روزگار و در روزگار و در روزگار

شما که در روزگار و در روزگار و در روزگار

و در روزگار و در روزگار و در روزگار

و در روزگار و در روزگار و در روزگار

و در روزگار

و در روزگار و در روزگار و در روزگار

اگر واقعا بندگان آدمیستند دارند
 شی و رود در ترقی و شح حد و
 ملک حد و دولت حد بکشند

و این را به نام حد و حد و حد

باید آرزوی پُرست شد

و این است ترقی و حد و حد و حد



